

## اثر عمل در زندگی

از نوروز پند بگیریم

داستانهای تاریخی درسی آموزنده است

عاقبت ظلم

جمعی از دانشمندان و نویسندگان فاضل و توانای حوزه مقدسه علمیه چند سالی است با همت بلند و عالی خود سلسله انتشارات معارف جعفری و کتاب فصل و سال را به منظور ارشاد و هدایت مسلمانان طبع و توزیع مینمایند و چون اختران آسمان که بوسیله شهابهای ثاقب و قلمهای توانای خود اهریمنان و بدخواهان را از آسمان اسلام دور نموده و حریم مقدس مذهب جعفری را پاسداری مینمایند ادام الله توفیقاتهم حقیر را دعوت نمودند که در این سعادت شرکت جویم گرچه حوادث روزگار برای من فرصتی نگذاشته و از بسیاری از توفیقات محروم داشته‌ام ولی مالا یدرک کله لایترک کله .

نظر باینکه کتاب فصل طبیعت و بهار و عید نوروز و فروردین نزدیک است بمناسبت همین فصل داستانی را از نظر خوانندگان محترم میگذرانم. جهان دریائی ژرف و عمیق است که کشتی عمر بر امواج متلاطم آن همواره سرگردان است گذشت شب و روز هفته و ماه و سال و این تواتر پیوسته ایام و آمد و رفت سالها و عیدها ما را بسر منزل نهائی حیات یک مرحله

نزدیک تر میکند زندگی سال گذشته هر چه بود خوب یا بد، تلخ یا شیرین، راست یا کج، سعادت آمیز یا شقاوت آمیز تمام شد اما نتیجه آن یعنی اعمال خوب و بدیک اثر ابدی و فنا ناپذیری است که همواره محفوظ و باقی خواهد بود.

### عید نوروز

یکی از باشکوه ترین اعیاد ملی عجم عید نوروز بوده که قبل از اسلام در آئین زردشتی صورت دینی داشته و اسلام هم تا درجه ای آنرا تأیید فرموده است.

ما وظیفه داریم درسهای آینده را همواره از حوادث گذشته بخوانیم و باید بدانیم حتماً گذشت ایام چراغ زندگی ظاهری ما را خاموش خواهد کرد اما اگر اعمال درخشان و نیکی داشتیم با حروف برجسته و طلائی در صفحات خود ثبت کرده و مانند مشعل فروزانی فراراه سالکین آینده نگاه خواهد داشت چنانچه تاریخ مردان فضیلت و خدمتگذاران عالم بشریت و بالعکس دشمنان انسانیت و فضیلت را پس از قرنها امروز اعمالشان را محفوظ داشته است و نکته ماقده و آثار هم و کل شیء احصیناه امام حسین

در برابر قدرت فصل زمستان و سر مادر خنانی که خود را حفظ کرده اند امروز زندگی را از سر گرفته و شکوه و خرمی را تجدید مینمایند هر قوم و ملتی که فضایل اخلاقی و شهامت و تقوا و شکیبائی و ایمان خود را حفظ کرد همیشه ایام برای او عید است عید نوروز و فصل فروردین بما درس خداشناسی و نیکو کاری میدهد و میگوید

نوز کجا میرسد کهنه کجا میرود گرنه و رای جهان عالم بی منتهاست

فصل فروردین طبیعت انقلاب حالی پیدا کرده و قیافه خود را جذاب نشان میدهد بقول سعدی: خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار از این روماهم باید تغییر حالی بدهیم نه تنها در لباس و خانه و مسافرت بلکه بحساب اعمال يك ساله گذشته برسیم و با تراژوی دین و مذهب بسنجیم و با عزمی راسخ تصمیم بگیریم اشتباهات گذشته را مرتکب نشویم و در اولین ساعت تغییر سال با نیت پاک و توجه بخدا بگوئیم **یا مقاب القاب والابصار الخ** ای خدایم که زمین مرده را حیات بخشیده و نیر و صفا عنایت میکنی و استعدادها را از قوه بفعل میآوری ما را از خزان اخلاقی بحیاء انسانیت و آدمی نائل فرما و شکوفه های کمال و اخلاق و آداب را از شجره وجود ماهویدا و آشکار فرما زیرا میدانم تخلف از قانون تو کیفر دارد، در باغ اگر درختی از قانون فروردین تخلف کند باغبان از باغ بیرونش کند و با آتش سوزانش بسپارد.

بسوزند چوب درختان بی سر      سزا خود همین است مریبی بری را  
درخت تو گر بار دانش بگیرد      بزیر آوری چرخ نیلوفری را  
عید نوروز از نظر اسلام هم بعلل و جهاتی عزیز است

یعقوبی مورخ دانشمند مینویسد ولادت با سعادت رسول اکرم خاتم انبیاء (ص) در نوروز بوده

**ومولده وطلعتہ لدنیا ربیع فی ربیع فی ربیع**

وجودارجمند نبی اکرم برای جهان خزان زده بهاری بود و در فصل بهار و ماه ربیع هم بوده جلوس امیر المؤمنین چنانچه شعرای عرب و عجم و احادیث زیادی اشاره کرده اند بر کرسی خلافت مصادف باروز عید نوروز بوده - ظهور امام زمان (ع) در روز نوروز است زیرا تنها یک روز است که عدل است

است و شب و روز مساوی است و اول غلبه نور بر ظلمت است و امامی که باید تمام جهان را مملو از عدل و فضیلت بنماید باید تمام شرایط و امکانات زمانی و مکانی برایش فراهم باشد حتی روز او هم مساعد با عدل باشد عید نوروز میگوید سیصد و شصت و پنج روز از عمر شما بدست فراموشی و ایام غارتگر گذشت ولی اسرار زندگی و اعمال شما محفوظ است

### داستانهای تاریخی موسی آموزنده است

نگاه کنید بکتاب اعمال و کردار گذشتگان و سر نوشت ملل و اقوام .

داستانهایی که از نظر تجزیه و تحلیل علل انقراض و ذلت و یاعزت، بقاء و جلال و شکوه ملل را بیان میکند بر اهنمائی و ارشاد نوع انسانی بزرگترین خدمت و کمک را میکند بر طبق عمیقترین تحقیقات تاریخی تمام انقراضها و بدبختیها و قوس نزولهای عموم ملل و امم، معلول فساد و ظلم و عیاشی و زور گوئی و هوس باژیهای رجال و مردان مؤثر آن قوم و کشور بوده است و بس .

قساوتها و شقاوتها و دست درازیها بمال و جان و ناموس مردم، هر کشوری را بجانب قوس نزول و حضيض ذات سوق داده و این حقیقت است و افسانه نیست و اذا اردنا ان نهلك قرية امرنا متر فیهما قرآن کریم داستانها از امام گذشته ذکر میفرماید که واجدهمه گونه نعمتها بودند ولی گرفتار فساد اخلاق و طغیان و کفران گردیدند و بالتیجه بعد از دردناکی گرفتار شدند گاهی میفرماید:

قوم ثمود چه نداشتند خانهها، باغها، کشتزارها، نهرهای روان، چشمههای جوشان، در سینه کوهها خانهها بنا کردند همانطور که عادت بشر است چون خود را غنی دیدند طریق طغیان و فساد و بت پرستی را پیشه کردند

و تلك عاد جحدوا بآيات ربهم وعصوا رسله واتبعوا كل جبار عنيد  
 نوامیس الهی را انکار کردند، بفرستادگان خدا عصیان ورزیدند و از  
 امر ائمه مکار و منحرف خود پیروی کردند تا گزیر دچار عذاب الهی و غضب  
 پروردگار گردیدند .

قوم صالح را چنان خاموش کردیم که گوئی در دیار یمن از اساس،  
 خانه نداشتند، ناقص صالح را پی کردند اما دعوت صالح شکست پذیر نیست  
 کلمه صالح کلمه الله است و کلمه الله بلند و باقی است این همه داستانها در  
 قرآن کریم بود و عرب ناظر عظمت و جلال خود بپرکت پیروی از  
 پیغمبر گرامی و اطاعت خدا و ندمتعال بودند ولی آل امیه مروان باورشان  
 نیامده بود که آنچه عرب را عزت داد اطاعت و تقوا بود و اگر منحرف از  
 راه حق شدند بسر نوشت همان اقوام و ملل که داستانهایشان را خوانده اند  
 مبتلا خواهند شد بر سریر قدرت که قرار گرفتند بدریای فساد و ظلم و  
 انحراف جسمی و روحی شب و روزشان سپری کردید، و شگفت آنکه  
 بنام خلیفه رسول الله و امیر المؤمنین آن همه بساط شراب و قمار و ظلم و جنایت  
 پهن کرده و با تمام مقدسات و محراب و منبر و اساس اسلام بازی نموده و  
 با احساسات مردان با ایمان و قبی نگذاشته بلکه با تمام نیرو و قدرت  
 بمحو و نابودی آنان اهتمام ورزیدند ولی سنت محکم الهی کار خود را  
 کرد و این تجد لسنة الله تبدیلا این شجره خبیثه پس از هزار ماه جنایت  
 و ظلم و فحشا و منکر و بیدینی از ریشه کنده شد و با برك و بارش بآتش  
 دنیا و آخرت و ذلت و رسوائی عهومی دچار گردید از زبان یکی از همین  
 قوم بد بخت داستانی را که از روزگار بد بختی خود نقل میکند ذکر نموده  
 و باین موضوع خاتمه میدهم .

## عاقبت ظلم!

مسهودی مورخ شهر نقل کرده که صالح بن علی بمنصور خلیفه عباسی گفت که عبدالله بن مروان چون از دست قدرت مافراری بوده بممالک نو بدرسیده و میان او و پادشاه نوبه مکالماتی اتفاق افتاده که خیلی شیرین و درعین حال عبرت انگیز و موعظه خوبی است هر گاه امیرالمؤمنین صلاح بداند او را احضار فرماید تا جریان را بعرض مبارک برساند.

منصور امر باحضارش نمود چون بحضور منصور رسید گفت عبدالله قصه پادشاه نوبه را بیان کن. گفت یا امیرالمؤمنین باجمعی از اتباع خود بزمن نوبه وارد شدم و سه روز در آنجا اقامت نمودیم روزی پادشاه (نوبه) بر من وارد شد و بر روی زمین نشست و روی فرشهای ابریشمی و قالی جلوس نفرمود گفتم چرا روی فرش نمی نشیند گفت بجهت آنکه من شهریار کشور «نوبه» ام و حق است بر هر پادشاهی که تواضع و فروتنی کند برای خدا آدمی اخلاقش برخلاف این است خود را که غنی یافت کبریائی میورزد پس از آن نگاه باوضاع و احوال ما کرد بزم عیش و شراب و کباب مارا که دید گفت راستی شما چرا شراب میخورید مگر بحکم کتاب آسمانی شما حرام نیست من خجالت کشیدم چه بگویم گفتم غلامان و اتباع ما از نادانی مرتکب شدند و کم کم عادت کردند و ما را هم مبتلا نمودند گفت چرا اسبهای خودتان را بزراعت مردم داخل کردید و حال آنکه در کتاب آسمانی شما فساد حرام است و خداوند نهی کرده است و این فساد است بمال مردم گفتم کسان ما بجهالت خود اینکار را میکنند برای راحتی خودشان دیگر توجه بضرر و فساد بمال مردم نمینمایند باز ایسرادی گرفت که خیلی خجالت کشیدم گفت بفرمائید شما چرا حریر و دیبا

مبپوشید و طلا استعمال، میکنید و حال آنکه پیغمبر شما و دین شما آنها را  
بر مردان حرام کرده است .

گفتم پادشاهی از دست مارفت و ما ناگزیر شدیم طلب یاری و مدد-

کاری از قوم عجم کردیم که تازه داخل دین ما شده بودند و این اعمال را  
ایشان میکردند و ما کراحت داشتیم ولی ناچار بودیم حرف نزنیم.

پادشاه (نوبه) مدتی سر خود بزیر انداخت و دست خود را میگردانید  
و انگشت بر زمین میزد و میگفت غلامان ما، اتباع ما! و عجم های داخل در

دین ما! آنگاه سر بلند کرده گفت نه آنطور نیست که گفتی و بیان کردی  
بلکه شما قومی بودید که حلال شمردید آنچه را خداوند بر شما حرام کرده

بود و مرتکب شدید آنچه که خدا شما را از آن نهی فرموده بود و ظلم کردید  
بر آنچه. هملك شما شد نعمتها بشما مرحمت کرد شما قدردانی نکردید

پس بسبب گناهان، خداوند جل و علا لباس عزت و شرف را از بدن و جان  
شما کند و لباس ذلت بر شما پوشانید و شاید تازه این هنوز مقدمه عذابها

باشد و عذابهای شدیدتری در انتظار شما باشد و میترسم در وقتیکه بر شما  
عذاب نازل شود در شهرهای کشور من باشید و عذاب بر سر مردم ما هم نازل

شود و ما را هم آتش قهر بسوزاند مهمانی سه روز است هر گونه توشه و آزادی  
احتیاج دارید در اختیار شما میگذاریم هر چه زود تراژ کشور ما

بیرون بروید .

ملاحظه میکنید دخالت دین و آئین، آلوده شدن بگناه تا چه درجه

انسان را ذلیل مینماید امام حسن عسکری صلوات الله علیه فرمود ما ترك

الحق عزيز الاذل ولا اخذ بذليل الاعز- هیچ عزیزی حق را رها نکرد

مگر آنکه ذلیل شد و هیچ ذلیلی حق را نگرفت جز آنکه عزیز گردید .